



مزدوری هشتم  
که برای وطن می خوانم

محسن شریفیان در کنسرت گروه «لیان» که شامگاه ششم آبان ماه در برج میلاد برگزار شد در حالی که قطعه‌ای برای خلیج همیشه فارس را اجرا کرد، روبه حضار گفت: متأسفانه در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که اگر هنرمندی درباره «وطن» و عشق اش به سرزمین مادری حرف بزند، «مزدور» خطاب می‌شود. این ضعف فرهنگی را باید در ابتدا از ضعف مدیریت کلان فرهنگی این کشور با این تاریخ و پیشینه دانست. من یک مزدور هستم که امروز می‌خواهم برای وطنم بخوانم و ساز بزنم. وطن خط قرمز ماست و در این روزهای ملت‌هپ، متأسفم که حتی هنرمندان تاثیرگذار از اینکه بخواهند شهادت سربازان بی‌ادعای ارتش را تسلیت بگویند، هراس دارند. آقای مدیر، شما عامل اصلی این دوخطی تأسف‌آور هستید. این هنرمند در ادامه گفت: برای خلیج فارس، برای جزایر ایرانی و جغرافیای این کشور جان می‌دهیم. مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی چیزی نیست که دولت محترم امارات بخواهد این بازی‌های روانی را در جهان رو کند.



معرفی نماینده جشنواره  
فیلم کوتاه تهران برای اسکار

دراختتامیه چهل و یکمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، برگ زرین و جایزه بزرگ جشنواره به‌عنوان بهترین فیلم بخش بین‌الملل به «ابراهیم حندل» برای فیلم داستانی «یک فیلم کوتاه درباره بچه‌ها» از فلسطین اهدا شد و این جشنواره، فیلم او را برای رقابت بخش فیلم کوتاه به آکادمی اسکار معرفی کرد. «یک فیلم کوتاه درباره بچه‌ها» در بخش شاخه زیتون که فیلم‌های ناظر به مقاومت مردم فلسطین در آن به نمایش در می‌آید نیز قرار داشت و پیش از جشنواره فیلم کوتاه تهران در جشنواره‌های معتبر جهانی دیگری نیز حضور داشته است. این فیلم یک روایت نئورالیستی از چند کودک فلسطینی است که قصد دارند برای نخستین بار دریا را ببینند. طبق اعلام سازندگان آن، «یک فیلم کوتاه درباره بچه‌ها» پیش از فیلم کوتاه تهران در جشنواره‌های مختلف مورد تأیید آکادمی اسکار از جمله جشنواره فیلم تامپره، ۲۰۲۴ (فنلاند) و جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه کلرمون-فراند، ۲۰۲۴ (فرانسه) حضور داشت.



خالق پیشتازان فضا درگذشت

جری تیلور تهیه‌کننده، سازنده برنامه، کارگردان و نویسنده سریال‌های «پشتازان فضا: نسل بعدی» و «پشتازان فضا: وویجر» که نامزدی امی را کسب کرده بود، در ۸۶ سالگی درگذشت. تیلور در فصل چهارم این سریال در سال ۱۹۹۰ به تیم سازندگان پیوست و در فصل ششم، در کنار ریک برمن و مایکل پیلان، عنوان تهیه‌کننده اجرایی را کسب کرد. او سپس به‌عنوان تهیه‌کننده و مجری سریال برای فصل هفتم و آخرین فصل آن کار کرد و برای این کار نامزدی امی بهترین سریال را به‌دست آورد. تیلور در ادامه با برمن و پیلان، «وویجر» را ساخت و سازنده ۴ فصل اول سریال از سال ۱۹۹۵ تا ۱۹۹۸ بود. او بعدها مشاور خالق برای سه فصل پایانی سریال شد. تیلور بیش از ۳۰ قسمت از سریال «پشتازان فضا» را نوشته است. او در سال ۱۹۸۷ فیلمنامه «مکانی برای فراخوانی خانه» با بازی لیندا لوبین را نوشت و تهیه‌کننده سریال‌های «کویینسی» و «ام‌ای» بود.



گفت‌وگو با تیم برتون درباره‌ی این که  
فیلم‌های بتمن عوض شده‌اند و چطور  
«بیتل جوس بیتل جوس» این کارگردان را  
از بازنشستگی نجات داد

چرا شبیه  
خون‌آشام  
هستم

تصویر: Getty Images



ترجمه: زینب کاظم‌خواه  
منبع: ویرایتی

از میان افتخارات و ستایش‌هایی که تیم برتون در طول بیش از ۴۰ سال زندگی حرفه‌ای خود دریافت کرده است، ستاره‌ای در پیاده‌روی مشاهیر هالیوود، آن چیزی نیست که او انتظارش را داشت. اما واکنش او به این خبر کاملاً بازناب سبک بازیگوشانه و عجیب و غریبی است که ۲۰ فیلم او را به تقریباً ۴/۵ میلیارد دلار در باکس آفیس در سراسر جهان رسانده و به‌رغم اینکه او را به چشم بیگانه و غیر خودی می‌بینند، به‌عنوان یک فیلمساز سرشناس معرفی کرده است.

برتون درباره‌ی ستاره‌های پیاده‌روی مشاهیر هالیوود به‌ورایتی می‌گوید: «یادم می‌آید قبل از این که بدانم این ستاره‌ها چه هستند ابتدا فکر می‌کردم که آن‌ها سنگ قبر هستند، من در کالیفرنیا بزرگ شده‌ام، جایی که همه‌ی سنگ قبرها مسطح‌اند به همین دلیل است که آن را با سنگ قبر اشتباه گرفتم. اما خیلی زود متوجه شدم که دزی آرناز و جان وین در زیر (بلوار هالیوود) آنجا دفن نشده‌اند.»

این کارگردان با فیلم‌هایی مانند «اسلیپی هالو»، «عروس مرده»، «سایه‌های سیاه» و «فرنگ وینی» در کارنامه‌اش، ثابت کرده است که چیزهای زیادی درباره‌ی مرگ و زندگی می‌داند. مایکل کیتون می‌گوید که معرفی آن‌ها در «بیتل جوس» هم شخصیت منحصر به فرد برتون و هم مشارکت خلاقانه‌ی قوی آن‌ها را برجسته کرد. کیتون به یاد می‌آورد: «انتقال ایده‌ی برتون و آنچه در ذهن داشت در این فیلم آسان نبود، اما اشتیاق و پشتکار او واضح و ستودنی بود. فرآیند خلاقانه‌ای که با دیدگاه کارگردان هدایت می‌شد، یکی از سرگرم‌کننده‌ترین و رضایت‌بخش‌ترین تجربیاتی بود که تا به حال داشته‌ام. او خیال‌اندیشی است که دنیا را به گونه‌ای می‌بیند که توضیح آن سخت است، اما وقتی همه چیز در کنار هم قرار می‌گیرد، درخشان است.» در حالی که آن‌ها برای فیلم «بیتل جوس، بیتل جوس» دوباره گرد هم آمدند، کیتون تأکید می‌کند که سبک داستان‌سرایی متمایز برتون به‌درستی موقعیت او را در هالیوود تضمین کرده است. او تأکید می‌کند: «این شناخت نشان‌دهنده‌ی دیدگاه هنری منحصر به فرد تیم و تأثیر او بر صنعت فیلمسازی است.» کیتون اشاره می‌کند: «وقتی او به‌رغم تردیدهایی که دیگران داشتند، مرا به‌عنوان بتمن انتخاب کرد، این نشان‌دهنده‌ی تعهد او به دیدگاهش بود؛ این تنها یک نمونه از صداقتش به‌عنوان یک هنرمند است.» در گفت‌وگویی که در ادامه می‌خوانید برتون درباره‌ی سفر خود به‌عنوان فیلمساز و داستان‌نویس، از «ماجراجویی بزرگ پی‌وی» تا «بیتل جویس بیتل جویس» و بعد از آن، با ویرایتی صحبت کرد.

وقتی شروع به فیلمسازی کردید آیا به‌صورت  
خودآگاه احساس یک غیر خودی و فردی متفاوت  
را داشتید؟

من در دوران عجیبی در دیزنی رشد کردم، جایی که یک انیماتور افتضاح بودم اما مجبور شدم تصاویر متفاوتی بکشم، بنابراین توانستم راه خود را به روشی بسیار عجیب پیدا کنم. وقتی اولین فیلم بلندم را ساختم، قبلش چند فیلم کوتاه ساخته بودم، اما واقعیت این است که چیز زیادی نمی‌دانستم، پس طبیعی بود که ندانم که چطور از چیزی بترسم.

چقدر به‌طور طبیعی زیبایی‌شناسی شما  
به‌عنوان یک فیلمساز ظاهر شد؟

همه چیز به‌نوعی شخصی بود. حتی چیزهایی که خودم نساخته بودم، همیشه چیزهایی شخصی در آن می‌یافتم. این تنها دلیلی است که توانستم هر کاری انجام دهم.

بتمن یک تغییر قابل توجه برای فیلم‌های  
ایر قهرمانی بود. چقدر انگیزه‌های طبیعی شما  
در این زمینه تحت فشارهای استودیو به چالش  
کشیده شد؟

من خوش‌شانس بودم که اصطلاح «فرانشیز» در آن زمان مورد استفاده قرار نگرفت و باعث شد «بتمن» تا حدودی تجربی و متفاوت از فیلم‌های ایر قهرمانی معمولی باشد. فشار و بازخورد استودیو کمتری وجود داشت و از آنجایی که ما در انگلستان مستقر بودیم، این به ما اجازه داد بدون دغدغه‌هایی که امروزه رایج است، روی ساخت فیلم تمرکز کنیم.

شما همیشه دارای این توانایی فوق‌العاده برای  
ترکیب ایده‌هایی بوده‌اید که به‌نظر خطرناک  
می‌آمدند، اما در اجرای آن‌ها هرگز احساس خطر  
نکردید.

هرگز این احساس را نداشتم که از سرمایه‌های شرکت با استودیوها سوءاستفاده می‌کنم. این احساس واقعی بود، زیرا من یک فیلمساز سنتی نبودم، بنابراین آنچه را که دلم می‌خواست و مناسب بود دنبال کردم. به

نظر می‌رسد که آن‌ها دیدگاه منحصر به فرد من را می‌خواستند، اما همیشه تنشی وجود دارد که آنها من را می‌خواهند و در عین حال نمی‌خواهند. از ابتدا و حتی اکنون، آن‌ها رویکردم را کاملاً درک نمی‌کنند، که این امر اراده‌ی بازخورد را برای آن‌ها دشوار می‌کند.

«بازگشت بتمن» نخستین فیلمی بود که شما کاملاً از مداخله‌ی استودیو یا نگرانی برای بودجه رها بودید. تا چه حد می‌خواستید نوآوری کنید و ویژگی‌های منحصر به فرد شما چقدر خلاقیت‌تان را منعکس می‌کند؟

بیشتر مورد دوم در مورد من صادق است. من واقعاً علاقه‌مند به ساختن یک فیلم دنباله‌دار نبودم اما پنگوئن و زن گری‌ای را دوست داشتم بنابراین از کل کار دوباره انرژی گرفتم. این زمانی بود که ما کلمه‌ی فرانشیز را می‌شنیدیم و استودیو داشت می‌رفت. داشتم به این فکر می‌کردم که «چیزهای سیاه از دهان پنگوئن بیرون می‌آید، چیست؟» اولین بار بود داشتم از آزادی خلاقانه لذت می‌بردم بدون این که نگران این باشم که مثلاً استودیویی با آن موافقت می‌کند یا نه.

«اقتباس تکمیل نشده‌ی شما از «سوپرمن» با بازی نیکلاس کیج به جایگاهی افسانه‌ای رسیده است. چه درس‌هایی از آن پروژه‌ها را توانسته‌اید برای پروژه‌هایی که واقعاً ساخته‌اید به‌کار ببرید؟ همه چیز غافلگیرکننده است، زیرا همیشه این سفر به سبک فیلم «جیسون و آرگونات‌ها» [فیلم ماجراجویانه‌ی مستقل محصول ۱۹۶۳] وجود دارد که همه برای ساختن یک فیلم طی می‌کنند. من روی تعدادی فیلم کار کردم که بعد از سال‌ها تلاش به نتیجه نرسیدند که برایم خیلی سخت بوده است. من فقط تلاش می‌کنم روی چیزهایی تمرکز کنم که برایم مهم هستند و چیزهایی که حواسم را پرت می‌کنم از بین ببرم.

در زمانی که سام ریملی و دیگران در حال بازگشت به این ژانر هستند، آیا می‌توان شما را متقاعد کرد که دوباره یک فیلم ایر قهرمانی بسازید؟

است که طی آن می‌توانند از توانایی‌های ماوراءالطبیعی خود برای تصاحب خانه‌ی دیتزا (ساکنان جدید خانه) و مهمان‌شان استفاده می‌کنند و همه را مجبور می‌کنند که آهنگ «Day-O» هری بلافونته را بخوانند و فضایی سورئال و کمدی ایجاد می‌کنند. این لحظه نه‌تنها ترکیب منحصر به فرد فیلم از طنز و وحشت را به نمایش می‌گذارد بلکه آهنگی به‌یادماندنی در فرهنگ عامه را بازخوانی می‌کند. این بار یک گروه کر جوان، در تشییع جنازه‌ی چارلز یک آهنگ آهسته را اجرا می‌کنند که فضایی غم‌انگیز و تأمل‌برانگیز دارد. در «بیتل جوس» در آهنگی پر جنب‌وجوش، زنان دیتز و بیتل جوس در مراسم عروسی لیدیا، آهنگ «مک‌آرتور پارک» ریچارد هریس را اجرا می‌کنند. لیدیا دیتز اکنون یک گالری هنری در قلب منهتن دارد؛ این گالری شیک، جالب، عجیب و پر از انواع هنرهای تجربی است. اما او ریشه‌های خود را فراموش نکرده است. مدرسه‌ی شبانه‌روزی استرید اکنون مرکز هنری دیتز را در اختیار دارد که دارای مجسمه‌های عجیب و غریب دلپا از فیلم اول است (از جمله مجسمه پنجه‌مانند وحشی که زمانی او را به دیوار چسبانده بود). هنگامی که مخاطبان برای اولین بار لیدیا دیتز بالغ را می‌بینند، او

برخاسته از گور



گذشته است اما این افسانه هنوز زنده است. به‌خصوص حالا که دنباله‌ی این فیلم «بیتل جوس بیتل جوس» سرانجام روی پرده‌ی سینما نمایش داده شد. کیتون بازگشته است تا نقش موفق‌اش را به‌عنوان شبح در کنار ستاره‌های فیلم اصلی؛ وینونا رایدر و کاترین اوهارا در نقش عجیب‌وغریب ماوراءالطبیعی‌اش دنبال کند. در حالی که بازیگران دیگر فیلم اول، جنا دیویس و آلک بالدوین در این فیلم غایبند. دیویس و بالدوین در فیلم اصلی نقش باربارا و آدام میتلند را بازی می‌کردند که زوج جوانی پس از تصادف رانندگی به خانه بازمی‌گردند، متوجه می‌شوند خانه‌شان فروخته شده است و یک خانواده جدید به آن نقل مکان کرده‌اند و بعد می‌فهمند که مرده‌اند. یکی از صحنه‌های نمادین از «بیتل جوس» اول، مهمانی شامی

هالیوود اغلب اجساد فیلم‌هایی که سال‌ها قبل مرده‌اند، زنده می‌کند و فقط زمان لازم بود تا دوباره «بیتل جویس» را زنده کند. تیم برتون، کارگردان فیلم اصلی در ۱۹۸۸ بود. اگر چه مذاکرات برای ساخت دنباله‌ی این فیلم سال‌ها ادامه داشت، برتون اصرار داشت که تنها در صورتی این فیلم را ادامه می‌دهد که مایکل کیتون به‌عنوان شخصیت اصلی بازگردد، همچنین دنباله‌ی فیلم به همان حال و هوای عجیب و غریب نسخه‌ی اصلی وفادار بماند. حالا «بیتل جوس بیتل جوس» هر دو معیار را دارد. کیتون، به‌عنوان روح شیطانی، بازی درخشانی را دارد و دنباله‌ی سبک متمایز فیلم اصلی را در هر فریم حفظ می‌کند. به‌صورت دقیق‌اش ۳۶ سال از زمانی که مایکل کیتون - شیطان بدهن - بینندگان را در فیلم «بیتل جوس» ۱۹۸۸ تیم برتون ترساند،